

کار کودکان در ایران: ارائه گزارشی از وضعیت علل و پیامدهای آن

تاریخ دریافت مقاله: بهمن ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش مقاله: اسفند ۱۳۹۹

مهناز نوبهاری^۱

^۱ کارشناسی ارشد، پژوهش علوم اجتماعی و مددکار اورژانس اجتماعی بهزیستی، شهرستان نظرآباد

نویسنده مسئول:

مهناز نوبهاری

چکیده

کار کودکان امروزه یکی از مسائل اجتماعی بسیاری از جوامع در حال توسعه است. در ایران نیز مسئله کار کودکان در مناطق مختلف یعنی روستاها و شهرها وجود دارد و به یکی از مسائل مهم اجتماعی تبدیل شده است. در این مقاله با استفاده از روش مرور نظام‌مند به مرور و بررسی پژوهش‌های حوزه کار کودکان در ایران پرداخته شده است. یافته‌های نشان می‌دهد پژوهش‌های این حوزه بیشتر تعداد محدودی از کار کودکان را مورد مطالعه قرار داده‌اند. به عبارت دیگر اشکال مورد مشاهده کار کودکان مانند کارهای در خیابان، کار در برخی از کارهای تولیدی و یا برخی کارهای کشاورزی مورد مطالعه قرار گرفته است در حالی که اشکال پنهان‌تر کارهای کودکان به ویژه بدترین اشکال کار کودکان کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است. همچنین بیشتر مطالعات بر کار کودکان در شهر تهران تمرکز دارند و کمتر به مطالعه کار کودکان در مناطق دیگر پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد عواملی مانند فقر و مهاجرت داخلی و خارجی از علل عمده کار کودکان است. پیامدهای کار کودکان عبارت است از بازماندگی از تحصیل، ترک تحصیل و برخی از پیامدهای زیستی، روانی و اجتماعی. مبارزه با فقر، توانمندسازی خانواده‌های کودکان کار، منع قانونی کار کودکان و توجه به آموزش و تحصیل کودکان از جمله مهم‌ترین پیشنهادها برای حذف کار کودکان است.

کلمات کلیدی: بازماندگی از تحصیل، ترک تحصیل، کار کودکان، بدترین شکل کار کودکان، فقر، مرور نظام‌مند، مهاجرت.

مقدمه

پدیده کار کودکان در جهان به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه بسیار شایع است. بر اساس آمار سازمان جهانی کار در سال ۲۰۱۴ میلادی، سالانه ۲۵۰ میلیون کودک ۵ تا ۱۴ ساله در جهان به دلیل کار از کودکی محروم می‌شوند؛ یعنی دوره‌ای که می‌توانست با تحصیل، بازی و شادی همراه باشد. طبق این آمار، ۱۲۰ میلیون نفر از آن‌ها وارد بازار کار می‌شوند و به کار تمام‌وقت مشغول‌اند. ۶۱ درصد این کودکان در آسیا، ۳۲ درصد در آفریقا و ۷ درصد در آمریکای لاتین زندگی می‌کنند. در میان این گروه از کودکان، حدود ۲۰۶ میلیون نفر در کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کنند (پرتال سازمان جهانی کار، ۲۰۱۷). هرچند آمار دقیقی از وجود میزان کودکان کار در ایران در دسترس نیست، اما شواهد نشان می‌دهد که در ایران نیز تعداد زیادی از کودکان کار می‌کنند. برخی کارشناسان مسائل اقتصاد شهری آمار کودکان کار ایران را بین ۳ تا ۷ میلیون نفر عنوان کرده‌اند. ضمن این‌که این رقم برای تهران نیز ۲۰۰ هزار نفر تخمین زده می‌شود، اما به دلیل این‌که بیشتر کودکان کار هیچ‌گونه ثبت هویتی ندارند، آمار دقیقی در این زمینه نمی‌توان ارائه کرد. در همین زمینه، وامقی و همکاران (۱۳۹۳) تعداد کودکان خیابانی را ۲۶,۰۰۰ نفر برآورد کرده‌اند، در یک پژوهش دیگر برآورد شده است که تنها ۵ هزار کودک در شهر تهران به کار زباله‌گردی مشغول هستند (انجمن حمایت از حقوق کودکان، ۱۳۹۸). کودکان کار در مشاغل گوناگونی به کار گرفته می‌شوند مشاغل مانند کار در خیابان: دست‌فروشی، تکدی‌گری، پاک کردن شیشه ماشین‌ها، کار در مزارع، کار در کارگاه‌های صنعتی و تولیدی، کار در بخش خدمات: واکس کفش، زباله‌گردی، کارهای خانگی، کار در معادن، کولبری و غیره. از آنجاکه کودکان از اقشار آسیب‌پذیر جامعه به شمار می‌روند، اثرات منفی و مخرب کار بر این قشر تشدید شده است. این اثرات به صورت مجموعه‌ای به هم پیوسته تمامی ساحت‌های زندگی کودک را تحت تأثیر قرار می‌دهد، به گونه‌ای که آنان را از رفتن به مدرسه بازمی‌دارد و فرصت‌های اشتغال مناسب در آینده را از وی می‌گیرد و می‌تواند سلامت جسمی، روانی و اجتماعی آن‌ها را تهدید کند. این در حالی است که به علل متفاوت زیستی و اجتماعی و حقوقی، کار کردن کودکان به عنوان عاملی آسیب‌زا در نظر گرفته می‌شود و ممنوع به حساب می‌آید، اما با وجود پذیرش این قاعده تردیدناپذیر، همچنان در شهرهای مختلف ایران شاهد حضور کودکان در کارهای مختلف هستیم. بخش عمده‌ای از این افراد مهاجرانی هستند که معمولاً به صورت غیرقانونی در فرایند تاریخی پیچیده و ناگزیر از جنگ و ناامنی و فقدان فرصت‌های اقتصادی وارد کشور میزبان (ایران) شده‌اند و در این کشور فعالیت می‌کنند. پدیده کار کودکان در شهر تهران بیش از سایر شهرها مشهود است. برخی از کارهای که کودکان به آن می‌پردازند جزو بدترین اشکال کار کودکان هستند به گونه‌ای که «کودکان را از دوران کودکی، پتانسیل و شأنشان محروم می‌کند و برای رشد فیزیکی و روانی آن‌ها مضر است» (پرتال سازمان بین‌المللی کار، کنفدراسیون اتحادیه کارگری بین‌المللی، ۲۰۰۸، ص ۱).

با توجه به این‌که دولت ایران پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک را امضا کرده است و تعهدات مربوط به کودکان کار و خیابانی را به‌صراحت پذیرفته است، با این حال باگذشت سال‌ها، هنوز این قشر به رسمیت شناخته نشده‌اند و پدیده کار کودکان کار در حالی شایع است که بر اساس بسیاری از کنوانسیون‌های جهانی - که کشور ایران نیز به برخی از آن‌ها پیوسته است - ممنوع اعلام شده است. این کنوانسیون‌ها اشکال مختلفی از کار کودکان از جمله بدترین شکل‌های آن را ممنوع کرده‌اند. ماده ۷۹ قانون کار ایران نیز اشتغال به کار کودکان زیر ۱۵ سال را ممنوع دانسته است. علی‌رغم همه این ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها به اشکال مختلف ما شاهد کار کودکان هستیم و کار پیامدهای منفی زیادی را برای کودکان به همراه دارد. در این مطالعه با استفاده از روش‌های مطالعه مروری به بررسی وضعیت کودکان کار در ایران پرداخته می‌شود. هدف این مطالعه نیز شناخت زمینه‌ها، علل، اشکال و پیامدهای کار کودکان در ایران است.

تعریف کار کودکان

همه کارهایی که به وسیله کودکان انجام می‌شود نباید به عنوان کار کودک تعریف شوند و در نتیجه، هدف حذف قرار گیرند. مشارکت کودکان یا نوجوانان در کارهایی که بر سلامت جسمی و روانی و رشد شخصی آن‌ها تأثیر نمی‌گذارد یا مانع مدرسه رفتن آن‌ها نمی‌شود، به‌طور کلی باید به عنوان امری مثبت در نظر گرفته شود. این کارها شامل فعالیت‌هایی همچون کمک به والدین در اطراف خانه، کمک در کسب و کارهای خانگی یا کسب پول توجیبی در ساعت‌های خارج از مدرسه در روزهای تعطیل است. این شکل از کار در رشد کودکان و رفاه خانواده‌ها سهم دارد، موجب تقویت مهارت و تجارب کودکان می‌شود و به آن‌ها کمک می‌کند تا در هنگام بزرگسالی، عضو مولد جامعه شوند.

اما شکل‌هایی از کار کودکان وجود دارد که مانع رشد کودکان می‌شود و آنان را در معرض آسیب‌های مختلفی قرار می‌دهد. این اشکال از کار است که با عنوان «کار کودکان» شناخته شده‌اند. تفاوت‌های قابل توجهی بین انواع مختلف کار کودکان وجود دارد؛ برخی از آن‌ها دشوار و سخت است، برخی خطرناک و برخی دیگر به لحاظ اخلاقی غیرقابل توجیه است. بر اساس برخی از تعاریف، اصطلاح کار کودکان «اغلب به‌عنوان کارهایی تعریف می‌شود که کودکان را از دوران کودکی، پتانسیل و شأنشان محروم می‌کند و برای رشد فیزیکی و روانی آن‌ها مضر است» (پرتال سازمان بین‌المللی کار، کنفدراسیون اتحادیه کارگری بین‌المللی، ۲۰۰۸) و به کارهای اشاره می‌کند که دارای خصوصیات ذیل‌اند:

- به لحاظ جسمی، روانی، اجتماعی و اخلاقی خطرناک‌اند و برای کودکان مضر هستند.
- در موارد زیر مانع تحصیل کودکان می‌شود:
 - ✓ آنان را از فرصت حضور در مدرسه محروم می‌کند.
 - ✓ آنان را قبل از اتمام تحصیل بر ترک تحصیل مجبور می‌کند.
 - ✓ یا آنان را مجبور می‌کند حضور در مدرسه را با کار بیش‌ازحد طولانی و سنگین ترکیب کنند (همان).

استانداردهای بین‌المللی برای سنجش گروه هدف کودکان کار را به‌عنوان «تمام افراد در گروه سنی ۵ تا ۱۷ سال» تعریف می‌کند (بند ۹ قطع‌نامه آمار کودکان کار، به نقل دیالو و همکاران، ۲۰۱۳، ص ۱۷). در همین زمینه و بر اساس تعریف سازمان بین‌المللی کار و کنفدراسیون اتحادیه کارگری بین‌المللی، کاری که بهزیستی فیزیکی، روانی و اخلاقی کودکی را به خطر می‌اندازد، چه به سبب ماهیت و چه به دلیل شرایطی که کار در آن انجام می‌شود، به‌عنوان «کار خطرناک» شناخته می‌شود (پرتال سازمان بین‌المللی کار).

اشکال کار کودکان

شکل‌های مختلفی از کار کودکان وجود دارد؛ برخی از آن‌ها به‌آسانی قابل مشاهده‌اند و برخی از آن‌ها در دید عموم نیستند. کنفدراسیون اتحادیه کارگری بین‌المللی (۲۰۰۸) به فهرستی از اشکال کار کودکان اشاره می‌کند که شامل گسترده‌ترین و بدترین شکل آن‌ها است، گرچه این لیست شامل تمام اشکال موجود کار کودکان نمی‌شود. این اشکال عبارت‌اند از:

۱. **کار خانگی:** شکلی از کار کودکان است که بسیار شایع و گاه پذیرفتنی است؛ این شکل از کار یا در منزل انجام می‌شود یا بیرون از منزل. زمانی که کار خانگی در بیرون از منزل انجام می‌شود، کودکان معمولاً برای ساعت‌های طولانی کار می‌کنند، شانس به مدرسه رفتنشان به حداقل می‌رسد و این نوع کار آنان را از خانواده و دوستانشان جدا می‌کند.
۲. **کار کشاورزی:** بسیاری از کودکان در بخش کشاورزی به کار مشغول‌اند. آن‌ها معمولاً در مزارع خانوادگی همراه خانواده خود به‌عنوان یک واحد تولیدی یا برای کارفرمای دیگری کار می‌کنند.
۳. **کار در صنایع:** کار در بخش صنایع می‌تواند به‌صورت منظم یا اتفاقی، قانونی یا غیرقانونی و به‌عنوان بخشی از کار خانواده یا برای کارفرمای دیگر انجام شود. کار در این بخش معمولاً شامل قالبی‌بافی، پرداخت سنگ‌های قیمتی، تولید لباس، تولید مواد شیمیایی، شیشه‌گری، کبریت‌سازی و تولید طیف وسیعی از سایر محصولات است. این کارها کودکان را در معرض مواد شیمیایی قرار می‌دهد که ممکن است برای آنان مسمومیت، بیماری‌های تنفسی و پوستی، گرمادگی، آتش‌سوزی و انفجار، آسیب‌های بینایی و شنوایی، سوختگی و حتی مرگ را به دنبال داشته باشد.
۴. **کار در معادن:** در بسیاری از کشورها، در بخش معدن، از کار کودکان استفاده می‌شود. در این بخش، کودکان برای ساعت‌های طولانی بدون آموزش و محافظت کار می‌کنند. کودکان معدنچی از فشار فیزیکی، خستگی و همچنین اختلالات سیستم عضلانی و اسکلتی رنج می‌برند.
۵. **برده‌داری و کار اجباری:** این شکل از کار بیشتر در مناطق روستایی یافت می‌شود و با ظلم به اقلیت‌های قومی و مردم بومی صورت می‌گیرد. کودکان نیز در این شرایط معمولاً در درگیری‌های مسلحانه به کار گرفته می‌شوند.

۶. **روسی‌گری و قاچاق کودکان:** این نوع از کار یکی از بدترین اشکال کار کودکان است. خطرهایی که کودکان در این بخش با آن مواجه‌اند بسیار شدید است و طیف گسترده‌ای از آسیب‌ها، از فساد اخلاقی تا انتقال بیماری‌های جنسی و مرگ را در برمی‌گیرد.

۷. **کار در بخش اقتصاد غیررسمی:** کار در این بخش نیز طیف وسیعی از فعالیت‌ها مانند واکس‌زدن کفش، تکدی‌گری، کشیدن درشکه مسافری، فروش روزنامه یا زباله‌گردی را شامل می‌شود که برخی از این فعالیت‌ها از دید عموم پنهان‌اند و برخی دیگر در معرض دید عموم قرار دارند. محیط کاری این بخش عموماً خیابان و کوی و برزن است. البته بخشی از این مشاغل نیز به‌صورت خانگی انجام می‌شود.

بدترین شکل کار کودکان

برخی از شکل‌های کار کودکان که با عنوان بدترین اشکال کار کودکان شناخته شده‌اند، باعث می‌شود تا کودکان به بردگی کشیده شوند، از خانواده‌های خود جدا شوند، در معرض انواع خطرات و بیماری‌های جدی قرار گیرند یا سبب حضور کودکان در خیابان‌های کلان‌شهرها به‌خصوص در سنین پایین می‌شود. این که شکل خاصی از کار با عنوان کار کودکان نامیده و شناخته شود، به سن کودک، نوع کار، ساعت کاری و اهداف کشورهای مختلف بستگی دارد. درحالی که شکل‌های مختلفی از کار کودکان وجود دارد، اولویت با حذف بدون درنگ شکل‌هایی از کار کودکان است که به‌موجب ماده ۳ کنوانسیون شماره ۱۸۲ سازمان بین‌المللی کار با عنوان «بدترین شکل کار کودکان» شناخته شده‌اند. این اشکال عبارت‌اند از:

- تمام اشکال بردگی یا مشابه برده‌داری، مانند فروش و قاچاق کودکان، بردگی و اسارت یا به‌کارگیری اجباری کودکان در منازعات مسلحانه؛
 - به‌کارگیری، تدارک یا عرضه کودک برای روسپی‌گری، تولید پورنوگرافی یا اجرای پورنوگرافی؛
 - به‌کارگیری، تدارک یا عرضه کودک برای فعالیت‌های غیرقانونی به‌ویژه برای تولید و قاچاق مواد مخدر، همان‌گونه که در معاهدات بین‌المللی تعریف شده است؛
 - کارهایی که بر اساس ماهیت یا شرایطشان برای سلامت و امنیت و اصول اخلاقی کودکان مضر است.
- ماده ۳ توصیه‌نامه سازمان بین‌المللی کار شماره ۱۹۰ به برخی از دولت‌ها پیشنهاد می‌کند که برخی از اشکال کار کودکان را ممنوع کنند؛ این اشکال عبارت‌اند از:
۱. کاری که کودکان را در معرض آزار فیزیکی، روانی و جنسی قرار می‌دهد.
 ۲. کاری که در زیرزمین، زیر آب، ارتفاع‌های خطرناک، یا فضاهای محدود انجام می‌شود.
 ۳. کار با ماشین‌آلات، تجهیزات و ابزارهای خطرناک یا کار با ماشین‌آلات، تجهیزات و ابزارهایی که باید با دست مدیریت شوند یا کار با ماشین‌آلات، تجهیزات و ابزارهای سنگینی که باید حمل شوند.
 ۴. کار در محیط ناسالم که ممکن است کودکان را در معرض مواد، عوامل یا فرایندهای خطرناک، حرارت، سروصدا، یا تشعشعات آسیب‌رسان قرار دهد.
 ۵. کار در شرایط بسیار دشوار مانند کار در ساعت‌های طولانی یا در طول شب یا کار درجایی که کودک به‌صورت ناعادلانه به محل کار کارفرما محدود می‌شود (انجمن حمایت از حقوق کودکان، ۱۳۹۸: ۴۱-۴۰).

مروری بر یافته‌های مطالعات حوزه کار کودکان

مروری بر مطالعات حوزه کار کودکان در ایران نشان می‌دهد که این پدیده بسیار موردتوجه محققان در دو دهه گذشته بوده است. بسیاری از این مطالعات ویژگی‌های فردی و خانوادگی کودکان کار را مورد مطالعه و بررسی قرار داده‌اند و برخی نیز به بررسی عوامل مرتبط با کار پرداخته‌اند. همه این مطالعات به لحاظ زمانی مقطعی هستند و بسیاری از آن‌ها در تهران و تعداد اندکی نیز در سایر شهرهای کشور انجام شده است، از این‌رو با توجه به اینکه در بسیاری از شهرها و حتی روستاهای کشور کمتر مطالعه‌ای به بررسی وضعیت کار کودکان پرداخته است، دانش ما از آن‌ها محدود و اندک است.

ویژگی‌های کار کودکان

جنس و سن: یافته‌های مطالعات نشان می‌دهد که صرف‌نظر از نوع کار، نسبت پسران شاغل بیشتر از دختران است. درحالی‌که میزان یا نسبت دختران شاغل در مطالعات مختلف بین ۸ تا ۵۴ درصد گزارش شده است، تقریباً در همه مطالعات اکثریت کودکان شاغل پسر بوده و اغلب بین ۶۰ تا ۹۸ درصد را تشکیل می‌دهند (افشانی و همکاران، ۱۳۹۴؛ حاج یوسفی و همکاران، ۱۳۸۴؛ عطایی و همکاران، ۱۳۸۸، زندرضوی و پورانارکی، ۱۳۹۰؛ وامقی و همکاران، ۱۳۹۰؛ وامقی و همکاران، ۱۳۹۴). در یک مطالعه بر روی بیش از ۲۷ هزار کودک کار شهری و روستایی کشور از اطلاعات طرح هزینه و درآمد خانوار سال ۱۳۸۷ در کل نمونه ۸۰ درصد کودکان کار پسر بوده‌اند (پاسدار و همکاران، ۱۳۹۳). به نظر می‌رسد در برخی از مشاغل تنها پسران مشارکت می‌کنند، به‌گونه‌ای که در دو مطالعه درباره زباله‌گردی یا جمع‌آوری ضایعات شواهد آن‌ها نشان می‌دهد که تقریباً همگی پسر بوده‌اند (پاسدار و همکاران، ۱۳۹۳؛ انجمن حمایت از حقوق کودکان، ۱۳۹۸). بالاتر بودن اشتغال کار پسران نسبت به دختران هم در مطالعات کودکان شهری و هم روستایی دیده می‌شود، اما به نظر می‌رسد در روستاها فاصله میان نسبت اشتغال پسر و دختر کمتر است، به‌گونه‌ای که در مطالعه کشاورز حداد و همکارانش بر روی بیش از ۲۷ هزار کودک شهری و روستایی کشور نسبت کار دختران به پسرها در شهر ۸ درصد در مقابل ۹۲ درصد و در روستا ۲۳ درصد در مقابل ۷۷ درصد بوده است و در کل نمونه ۲۰ درصد کودکان دختر بوده‌اند (کشاورز حداد و همکاران، ۱۳۹۳). همچنین در یک مطالعه درباره کودکان کار در روستاهای کاشان شیوع بیشتری از کار کودکان در میان دختران را نشان می‌دهد، ۴۳ درصد (فیروزآبادی و رضانیان، ۱۳۹۲).

در خصوص سن کودکان طیفی از سنین ۵ تا ۱۸ سال در مطالعات مختلف گزارش شده است. هرچند به‌صورت دقیق نمی‌توان بیشترین شیوع سنی کار کودکان را بر اساس مطالعات گزارش نمود اما میانگین سنی ارائه‌شده بیش از ۱۰ سال و اغلب بین ۱۱ تا ۱۶ سال است (احمدخانی‌ها و دیگران، ۲۰۱۴؛ پاسدار و دیگران، ۱۳۹۳؛ زارع شاه‌آبادی و دیگران، ۱۳۸۸؛ کریمیان و همکاران، ۱۳۹۵؛ مرادی و همکاران، ۱۳۹۴). مطالعه کشاورز و حداد و همکارانش نشان می‌دهد که تقریباً در همه سنین اکثریت با کار کودکان روستایی است به‌گونه‌ای که بیش از ۹۰ درصد کودکان کار ۱۰ ساله و همه کودکان کار ۱۱ ساله در روستاها زندگی می‌کنند و در مورد کودکان ۱۲ ساله نیز این رقم بیش از ۸۰ درصد است (کشاورز حداد و همکاران، ۱۳۹۳).

وضعیت تحصیل کودکان: یافته‌های مطالعات نشان می‌دهد بخشی از کودکان کار بازمانده از تحصیل هستند یا اصلاً به مدرسه نرفته‌اند. درصد کودکان بازمانده از تحصیل در مطالعات از ۲.۴ درصد تا ۴۹ درصد گزارش شده است، اما بیشتر مطالعات نشان می‌دهند ۱۰ تا ۱۷ درصد کودکان بازمانده از تحصیل یا بی‌سواد گزارش شده‌اند (افشانی و همکاران، ۱۳۹۱، اقلیما، ۱۳۸۶؛ پاسدار و همکاران، ۱۳۹۳؛ زندرضوی و پورانارکی، ۱۳۹۰؛ کشاورز حداد و همکاران، ۱۳۹۳؛ وامقی و همکاران، ۱۳۹۰). یافته‌های یک پژوهش دیگر نشان می‌دهد که ۵۴ درصد از کودکان کار زباله‌گردی در شهر تهران بی‌سواد بوده‌اند. البته شواهد این پژوهش نشان می‌دهد که کودکان افغانستانی در این کار مشغول به فعالیت بوده‌اند (انجمن حمایت از حقوق کودکان، ۱۳۹۸). همچنین مطالعات نشان داده‌اند کودکان بین ۴۰ تا ۶۰ درصد ترک تحصیل کرده‌اند (افشانی و همکاران، ۱۳۹۱؛ خیری حسن و همکاران، ۱۳۹۵؛ زندرضوی و پورانارکی، ۱۳۹۰؛ کشاورز حداد و همکاران، ۱۳۹۳). رقم بالایی بازماندگی از تحصیل و ترک تحصیل در کودکان کار در شهر و روستا نشان‌دهنده ارتباط قابل‌توجه کار کودک و ممانعت از تحصیل آن‌ها است. می‌توان نتیجه گرفت که کار کودکان در میان بخش قابل‌توجهی از کودکان مانع تحصیل آن‌ها می‌شود و یا آنان را مجبور به ترک تحصیل می‌کند.

اشکال کار کودکان

به‌طور کلی انواع مشاغل کودکان که در پژوهش‌های این حوزه از آن‌ها یاد شده است می‌توان به کارهای مانند کار در مزارع کشاورزی و باغ داری، دام داری، صنایع دستی، کار در کارگاه‌های تولیدی، مشاغل خدماتی، کار در خیابان، کار در کارگاه، کارهای خانگی و کار در خانه‌های دیگران دسته‌بندی کرد. بیشترین اطلاعات ارائه‌شده در این زمینه مربوط به کارهای خیابانی کودکان و تا حدودی کارهای کشاورزی است به گونه‌ای که درباره کار کودکان در بسیاری از حوزه‌های دیگر مانند صنعت، خدمات و کار خانگی و بدترین اشکال کار کودکان مانند به‌کارگیری کودکان در تن‌فروشی و جابه‌جای مواد مخدر و امثال آن پژوهشی انجام نشده است. یکی از پژوهش‌های درباره یکی از بدترین اشکال کار کودکان یعنی زباله‌گردی انجام شده است.

کودکان روستایی بیشتر در کارهای کشاورزی و دامداری مانند وجین کردن مزرعه، چیدن محصول، خرمن کوبی، انتقال محصول به انبار و آب دادن به دام، بردن دام به چرا و تمیز کردن جای نگاهداری دامها و مشاغل مرتبط با باغ داری مانند برداشت محصولات و آماده کردن محصولات برای عرضه به بازار مشارکت دارند. برخی از شواهد رسانه‌ها نشان می‌دهد در بسیاری از مناطق کشور مانند کردستان، کرمانشاه، آذربایجان غربی، سیستان و بلوچستان تعدادی از کودکان روستایی و شهری به کار کولبری مشغول هستند اما درباره آن‌ها مطالعه‌ای انجام نشده است (زندرضوی و پورانرکی، ۱۳۹۰؛ فیروزآبادی و رضانیان، ۱۳۹۲؛ کریمیان و همکاران، ۱۳۹۵). در شهرها مشاغل کودکان عمدتاً در کارهای خیابانی مانند دست‌فروشی، جمع‌آوری ضایعات، ساززدن و آواز خواندن، واکس زدن، پاک کردن شیشه ماشین‌ها، تکدی‌گری، زباله‌گردی و مشاغل خدماتی مانند باربری و شاگردی مغازه است. همچنین یافته‌های این مطالعات نشان می‌دهند که یکی از شایع‌ترین اشکال کار کودکان دست‌فروشی است (افشانی و همکاران، ۱۳۹۱، پاسدار و همکاران، ۱۳۹۳؛ زارع شاه‌آبادی و همکاران، ۱۳۸۸؛ مرادی و همکاران، ۱۳۹۵؛ کشاورز حداد و همکاران، ۱۳۹۳؛ وامقی و همکاران، ۱۳۹۰؛ وامقی و دیگران، ۱۳۹۴). تنها یافته‌های یک مطالعه نشان می‌دهد که حدود ۵ هزار کودک در شهر تهران مشغول به کار زباله‌گردی هستند (انجمن حمایت از حقوق کودکان، ۱۳۹۸).

ساعات و روزهای کار کودکان

نتایج برخی از مطالعات که ساعات کار کودکان را مطالعه کرده‌اند نشان می‌دهند که کودکان در مجموع ساعات قابل توجهی را در روز به کار اختصاص می‌دهند. یک مطالعه درباره کار کودکان در روستا نشان می‌دهد که کودکانی که برای خانواده کار می‌کنند، ۳ تا ۵ ساعت در روز و آن‌های که برای دیگران کار می‌کنند ۷ ساعت در روز و به‌طور متوسط ۴ روز را در هفته کار می‌کنند (فیروزآبادی و رضانیان، ۱۳۹۲). در مطالعه‌ای دیگر که مجموعه‌ای از کارهای شهری و روستایی را شامل می‌شود ۳ درصد از کودکان ۵ روز در هفته، ۲۲ درصد شش روز در هفته و ۷۵ درصد هفت روز در هفته، ۴۱ درصد یازده ساعت و بیش‌تر در روز و ۵۹ درصد تا ۱۰ ساعت در روز کار می‌کنند (زندرضوی و پورانرکی، ۱۳۹۰). فرا تحلیل مطالعات کودکان خیابانی یا کار کودکان در خیابان‌ها نشان می‌دهند که در حدود ۶۸ درصد کودکان بیش از شش روز در هفته کار می‌کنند (وامقی و دیگران، ۱۳۹۰). طولانی بودن ساعات کار کودکان یکی از عوامل اصلی در ادامه تحصیل کودکان است و باعث ترک تحصیل آن‌ها از مدرسه می‌شود چراکه ساعات طولانی کار و خستگی ناشی از آن موفقیت تحصیلی کودکان را کاهش می‌دهد.

وضعیت سلامت کودکان

برخی از مطالعات به بررسی وضعیت سلامت جسمانی و روانی کودکان کار در اشکال مختلف کارها پرداخته‌اند. برخی از این مطالعات بالاتر بودن مشکلات روان‌شناختی مانند اضطراب و پرخاشگری را در کودکان کار نشان داده‌اند (اکبری علی‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۵؛ خیری حسن و همکاران، ۱۳۹۵). همچنین سابقه مصرف سیگار، الکل و مواد مخدر در این مطالعات بررسی شده است و شیوع‌های متفاوتی گزارش شده است (اقلیما، ۱۳۸۶؛ معصومه و همکاران، ۱۳۹۳ و وامقی و دیگران، ۱۳۹۰). علاوه بر این تجربه مشکلاتی مانند دستگیر شدن، آسیب‌های جسمی متعدد و حتی فوت، تجربه آزارهای جسمی، روانی و تعرض در خانه و خیابان در این مطالعات بررسی و گزارش شده‌اند (افشانی و همکاران، ۱۳۸۴؛ انجمن حمایت از حقوق کودکان، ۱۳۹۸ و وامقی و دیگران، ۱۳۹۰).

عوامل و دلایل کار کودکان

اغلب مطالعاتی که به عوامل مرتبط با کار کودکان در ایران پرداخته‌اند، این عوامل را در سطح کودک و خانواده مورد بررسی قرار داده‌اند و عوامل کلان اجتماعی اقتصادی مورد توجه این مطالعات نبوده‌اند. چنان‌که نتایج مطالعات نشان می‌دهند اکثریت کودکان کار دارای خانواده و تحت سرپرستی خانواده خود بوده و در ارتباط با آن‌ها هستند. تصویری که این مطالعات از خانواده‌های کودکان کار ارائه می‌دهد، کمابیش مشابه است و نشان می‌دهد که کودکان به خانواده‌هایی با وضعیت اجتماعی اقتصادی پایین تعلق دارند. مشخصه‌های مشترک اجتماعی اقتصادی این خانواده‌ها عبارت‌اند از بعد بالای خانوار، تحصیلات پایین پدران و مادران، بیکاری و مشاغل کم‌درآمد پدران، مشارکت پایین مادران در کسب درآمد و مهاجرت داخلی و خارجی خانواده. درعین حال باید در نظر داشت که مطالعات منتشر شد مرتبط با کار کودکان در

کشور به خصوص در حوزه کار غیر خیابانی بسیار محدود است و درک عوامل مؤثر بر کار کودکان در حوزه‌های متفاوت کار نیازمند مطالعات بیشتر در سطوح مختلف و در زمینه‌های مختلف اشتغال کودکان است. برخی از مطالعاتی که عوامل مؤثری کار کودکان در خانواده را تحلیل کرده‌اند، هم‌زمان به بررسی عوامل مرتبط با تحصیل کودکان نیز پرداخته‌اند، چراکه به نظر می‌رسد کار و تحصیل را می‌توان دوروی یک سکه در زندگی کودکان به شمار آورد.

زندگی در شهر و روستا: چنانکه مشاهده شد، نسبت بزرگ‌تری از کودکان کار در روستا زندگی می‌کنند و نتایج مطالعاتی که جمعیت‌های کودکان کار شهری و روستایی را باهم مقایسه کرده‌اند، نشان می‌دهد که زندگی در روستا احتمال کار کودکان را افزایش می‌دهد (کشاورز حداد و همکاران، ۱۳۹۳؛ لهسایی زاده و اشرفی، ۱۳۸۰).

وضعیت سرپرستی کودک: هرچند اکثریت کودکان کار دارای سرپرستانند، برخی مطالعات نشان داده‌اند که نداشتن پدر و تک سرپرستی احتمال کار کودک را افزایش می‌دهد (کشاورز حداد و همکاران، ۱۳۹۳؛ محمدصادقیان و عباسی، ۱۳۹۲؛ هزارجریبی و آستین افشان، ۱۳۸۶). فقدان پدر با احتمال بالاتر کار کودک در شهرها همراه است و به نظر می‌رسد در شهرها کودکان راحت‌تر جانشین کار پدر می‌شوند، اما در روستا جایگزین‌های بیشتری برای کار پدر مانند زمین کشاورزی و دام وجود دارد (کشاورز حداد و همکاران، ۱۳۹۳). در دو مطالعه درباره کودکان خیابانی، ۸۰۶ درصد و ۳۰۲ درصد کودکان گفته‌اند که علت کار کردن آن‌ها بی‌سرپرستی بوده است (افشانی و همکاران، ۱۳۹۱؛ وامقی، دژمان و همکاران، ۱۳۹۲).

بعد خانوار: بالا بودن تعداد افراد خانواده به‌عنوان یک متغیر تأثیرگذار بر کار کودکان مطرح شده است. مطالعات، هم بالا بودن بعد خانوار را نشان می‌دهند و هم در مواردی بر اساس تحلیل‌های آماری نشان داده‌اند که میان تعداد بیشتر افراد خانواده و احتمال کار کردن کودکان یا ساعات بیشتر کار کودکان از یک سو و احتمال ترک تحصیل از سوی دیگر ارتباط مستقیم وجود دارد (شهرکی و قادری، ۱۳۹۱؛ کریمیان و همکاران، ۱۳۹۵؛ کشاورز حداد و همکاران، ۱۳۹۳؛ محمدصادقیان و عباسی، ۱۳۹۲). مطالعه شهرکی و قادری بر ۱۰۸۵۳ کودک شهر ۱۰ تا ۱۸ سال نشان می‌دهد که با افزایش تعداد افراد خانوار احتمال تصمیم به کار کردن و ترک تحصیل کودکان افزایش می‌یابد. رابطه‌ای متقابل میان تعداد افراد خانواده را کار کردن کودکان مطرح است، از سویی با افزایش افراد خانواده هزینه‌های کودکان را از جمله هزینه‌هایی تحصیل و به‌تبع آن نیاز به درآمد خانواده افزایش می‌یابد و از سوی دیگر تعداد نیروی بالقوه کار بیشتر می‌شود (شهرکی و قادری، ۱۳۹۱).

تحصیلات، اشتغال و درآمد والدین: علاوه بر آنکه نتایج مطالعات حاکی از بالا بودن نسبت والدین بی‌سواد و کم‌سواد در میان خانواده‌های کودکان کار است، تحلیل‌های آماری نیز روابط میان تحصیلات والدین و احتمال کار کردن کودکان را تأیید می‌کنند (پاسدار و همکاران، ۱۳۹۳؛ شهرکی و قادری، ۱۳۹۱؛ کریمیان و همکاران، ۱۳۹۵؛ کشاورز حداد و بیکاران، ۱۳۹۳؛ محمدصادقیان و عباسی، ۱۳۹۲؛ مقدس جعفری و همکاران، ۱۳۹۲). کشاورز حداد و همکارانش دریافتند که تحصیلات بالاتر پدر و مادر در محیط‌های شهری و روستایی و در کل کشور از عوامل بازدارنده کار کودکان هستند و از سوی دیگر احتمال حضور کودک در مدرسه را نیز افزایش می‌دهند (کشاورز حداد و همکاران، ۱۳۹۳). شهرکی و قادری نیز با مطالعه داده‌های ۱۰۸۵۳ کودک شهر ۱۰ تا ۱۸ سال نشان دادند که هر چه پدران و مادران تحصیلات بالاتری داشته باشند، احتمال اینکه کودکان ترک تحصیل کنند باهم درس بخوانند و هم کار کنند، کاهش یافته و احتمال اینکه تحصیل کنند و شاغل نشوند افزایش می‌یابد (شهرکی و قادری، ۱۳۹۱).

وضعیت اشتغال والدین نیز با احتمال کار و تحصیل کودکان رابطه دارد. بیکاری پدران احتمال کار کودکان را افزایش می‌دهد (پاسدار و همکاران، ۱۳۹۳؛ زارع شاه‌آبادی و همکاران، ۱۳۸۸) و شانس خیابانی شدن کودک را بالا می‌برد (هزارجریبی و آستین افشان، ۱۳۸۶؛ وامقی و همکاران، ۱۳۹۰). کریمیان و همکارانش در یک مطالعه روستایی نشان داده‌اند که هر چه سابقه کار و ساعت کار سرپرست بیشتر باشد احتمال کار کودک کاهش می‌یابد. هرچند مطالعه دیگری نشان می‌دهد که در مناطق روستایی با افزایش ساعات کار پدر احتمال کار کردن کودک کاهش می‌یابد، اما این موضوع در مورد کودکان شهری صدق نمی‌کند (کریمیان و همکاران، ۱۳۹۵ و کشاورز حداد و همکاران، ۱۳۹۳). در مقایسه با اشتغال پدر که نقش محافظت‌کننده در مقابل کار کودک دارد، اشتغال مادر ارتباط مستقیمی با احتمال کار کردن کودکان دارد. مطالعه شهرکی و قادری نشان می‌دهد که اگر مادر خانوار شاغل باشد، احتمال کار کردن ضمن تحصیل کودکان پسر و دختر را به ترتیب ۱۰۸ و ۱۰۳ برابر و کار کردن و ترک تحصیل آن‌ها را به ترتیب ۳۰۴ و ۲۰۲ برابر افزایش داده و احتمال ادامه تحصیل و عدم اشتغال کودکان پسر و دختر را ۱۰۲ و ۱۰۸ برابر کاهش می‌دهد (شهرکی و قادری،

(۱۳۹۱)، مطالعه کشاورز حداد و همکارانش نیز نشان می‌دهد که با افزایش ساعات کار مادر احتمال کارکردن کودک افزایش می‌یابد.

یافته‌های مطالعات همچنین نشان می‌دهد که سطح پایین‌تر درآمد خانواده با اشتغال کودک همراه است (پاسدار و همکاران، ۱۳۹۳؛ فیروزآبادی و رضانیان، ۱۳۹۲؛ کشاورز حداد و همکاران، ۱۳۹۳؛ لهسایی زاده، ۱۳۸۰؛ محمدصادقیان و عباسی، ۱۳۹۲؛ مقدس جعفری و همکاران، ۱۳۹۲). اغلب این مطالعات کسب درآمد توسط کودک و کمک به معاش خانواده را علل کار کردن کودکان برشمرده‌اند (وامقی، روشنفکر و همکاران، ۱۳۹۴). مطالعه محمدصادقیان و عباسی نیز نشان داده است که در ۶۲ درصد موارد علت کار کودکان کمک درآمد خانواده و بیشترین منبع تأمین خوراک و سرپناه خانواده در زمان شوک‌های اقتصادی، کار کودکان است، به طوری که میان شوک‌های اقتصادی خانواده و کار کودکان رابطه معناداری دیده می‌شود (محمدصادقیان و عباسی، ۱۳۹۲).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

امروزه کار کودکان در ایران تبدیل به یک واقعیت مسلم شده است و آنان در شهر و روستا بسته به نوع کارهای که در دسترس آن‌ها است کار می‌کنند. مشارکت کودکان در کار حتی شامل مشارکت در بدترین اشکال کار کودکان نیز است، یعنی کارهای که مانع از تحصیل کودکان می‌شود و سلامت آنان را در ابعاد مختلف به خطر می‌اندازد. اینکه چرا کودکان کار می‌کنند مطالعات بیشتر بر فقر خانوارها تأکید کرده‌اند. در کنار فقر مطالعات به عوامل دیگر مانند مهاجرت، بی‌سرپرست یا تک سرپرست بودن کودک، اعتیاد والدین و زندگی در مناطق حاشیه‌نشین را به‌مثابه علل کار کودکان نام برده‌اند که همه آن‌ها نیز صورت‌های از فقر هستند. از دلایل عمده کار کودکان نیز می‌توان به کمک آن‌ها به تأمین بخشی از هزینه‌های خانواده یا همه آن اشاره کرد. همان‌گونه که یافته‌های مطالعات نشان داد کودکان در کارهای مختلفی مانند کشاورزی و دامداری در انواع مختلف آن، کارهای خیابانی در طیف وسیع آن، کار در خانه و خانه‌های دیگر، صنایع دستی و زباله گردی کار می‌کنند. کار کودکان برای آنان هم مخاطراتی را همراه دارد و هم آنان را از تحصیل و دوره کودکشان محروم می‌کند. از اهم مخاطرات کار می‌توان به صدمه دیدن و تجربه انواع خشونت‌های فیزیکی، روانی و جنسی اشاره کرد که سلامت جسمی و روانی کودکان را به خطر می‌اندازد. از آنجاکه کودکان ساعات زیادی را در طول روز و هفته کار می‌کنند خستگی ناشی از آن و کمبود وقت باعث می‌شود که کودکان به امور تحصیلی‌شان نرسند و کمتر در مدرسه حاضر شوند از این‌رو در نهایت باعث می‌شود که آنان مدرسه را رها کنند. دوره کودکی باید با شادی و بازی همراه با احساس امنیت در نزد خانواده سپری شود، اما کار کردن در همه اشکال آن کودکان را این ویژگی‌ها محروم می‌کند و باعث می‌شود که دوره کودکی آن‌ها به یغما رود. از این‌رو به‌منظور حذف کار کودکان مهم‌ترین راهکارهای زیر ارائه می‌شود:

۱. غیرقانونی کردن و جرم انگاری کار کودکان تا سن ۱۸ سال.
۲. شناسایی خانواده‌های محروم و خانواده‌ای که کودکان آنان کار می‌کنند و ارائه حمایت‌های همه‌جانبه از آن‌ها.
۳. تشویق و ترغیب کودکان و خانواده‌های آنان به منظور ادامه تحصیل.
۴. جریمه کارگاه‌ها و مشاغل که از کودکان به‌منظور کار استفاده می‌کنند.
۵. حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد به‌منظور حمایت از کودکان کار.
۶. جهت دادن کودکان به سمت کارهای که جزو کار کودک محسوب نمی‌شوند.
۷. اجرای همه‌بندهای پیمان‌نامه حقوق کودک.

منابع و مراجع

- ۱- افشانی، علی‌رضا؛ عسکری ندوشن، عباس و دیگران (۱۳۹۱). تحلیلی بر وضعیت کودکان خیابانی و کار در شهر اصفهان. جامعه‌شناسی کاربردی. ۲۳ (۴): ۸۵-۱۰۲.
- ۲- اقلیما، مصطفی. (۱۳۸۶). پدیده کودکان خیابانی در تهران. اطلاعات سیاسی-اقتصادی. ۲۱: ۱۲-۱۱.
- ۳- انجمن حمایت از حقوق کودکان. (۱۳۹۸). یغمای کودکی: پژوهشی در باب شناخت، پیش‌گیری و کنترل پدیده زباله‌گردی کودکان در تهران. تهران: نشر روز.

- ۴- پاسدار، یحیی؛ دربندی، میترا و دیگران (۱۳۹۳). بررسی وضعیت تغذیه‌ای کودکان کار در شهر کرمانشاه در سال ۱۳۹۱. دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی سبزوار. ۲۱: ۴: ۶۱۲-۶۰۴.
- ۵- حاج یوسفی، علی؛ حاج بابایی حسین، شریفی، الهام. (۱۳۸۴). ویژگی‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی کودکان خیابانی. مددکاری اجتماعی. ۵ (۱): ۴۲-۲۶.
- ۶- زند رضوی، سیامک؛ رحیمی پورانارکی، ناهید (۱۳۹۰). مقایسه وضعیت کودکان کارگر ایرانی و افغان در استان کرمان بر پایه چهاراصل پیمان‌نامه حقوق کودک (سه اصل جامعه‌شناختی و دو راه‌حل). مجله مطالعات اجتماعی ایران، ۵ (۱)، ۷۲-۹۸.
- ۷- فیروزآبادی، سید احمد و رضانیان، زهرا. (۱۳۹۲). مطالعه عوامل اجتماعی مؤثر بر کار کودکان و پیامدهای آموزشی ناشی از آن، مورد مطالعه روستای کراده، شهرستان جهرم. بررسی مسائل اجتماعی ایران. ۴ (۱): ۹۲-۶۹.
- ۸- لهسایی زاده؛ عبدالعلی و اشرافی، حجت‌الله. (۱۳۸۰). بررسی عوامل تعیین‌کننده کار کودکان. مطالعه موردی شهر کاشان. پژوهشنامه فرهنگی. ۶ (۱): ۱۰۵-۱۳۵.
- ۹- عطایی، بهروز؛ نخودیان، زری و دیگران. (۱۳۸۸). شیوع آلودگی به ویروس هپاتیت B عوامل خطر آن در کودکان و نوجوانان خیابان شهر اصفهان. مجله دانشکده پزشکی اصفهان. ۲۷ (۱۰۲): ۷۷۹-۷۷۸.
- ۱۰- هزارجریبی، جعفر و آستین افشان، پروانه. (۱۳۸۶).
- ۱۱- وامقی، مروّنه؛ رفیعی، حسن و دیگران. (۱۳۹۰). مرور نظام‌مند مطالعات کودکان خیابانی در یک دهه اخیر در ایران: عوامل خانوادگی مرتبط و پیامدهای خیابانی شدن کودکان. مسائل اجتماعی. ۲ (۱): ۱۶۵-۱۳۶.
- ۱۲- وامقی، مروّنه؛ روشنفکر، پیام؛ دژمان، معصومه و دیگران (۱۳۹۴). بررسی ترکیبی و ارزیابی سریع وضعیت کودکان خیابانی و ویژگی‌های کار آنان در تهران. بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۶ (۲)، ۳۹۱-۴۱۶.
- 13- Khaniha, A. R. A. Shooshtari, M. H. Mohammadian, M. Bidaki, R. & Boshrabadi, A. P. (2014). Familial characteristics of street children in Tehran, Iran. Iranian journal of psychiatry and behavioral sciences, 8(2), 86.
- 14- Diallo, Yacouba; Etienne, Alex; Mehra, Farhad. (2013). Global child labour trends 2008 to 2012. International Labour Organization.
- 15- Diallo, Yacouba; Etienne, Alex; Mehra, Farhad. (2013). Global child labour trends 2008 to 2012. International Labour Organization.
- 16- ILO. (2017). Global estimates of child labour: Results and trends, 2012-2016. Geneva: International Labour Organization Geneva.